

۲۰۱۶/۱۹/۱۲

گردآورنده: احسان لمر

بخش: نخبگان، شخصیت های تأثیر گذار تاریخی

بیوگرافی

جوهر شاه خان غوربندی

و

لعل محمد خان تگابی

امیر عبدالرحمن خان براصل مرکزیت و سرکوب ملک الطوائفی موجود در کشور، عده از فرزندان خوانین و سران قبیایل متنفذان را در دربار تحت عنوان غلام بچه گان داخل ساخته بود که از یک جانب همچون گروگان تحت نظر او باشند تا پدران شان دست به شورش نزنند و از جانب دیگر این اشراف هم درباری و دربار پرور شوند تا در آینده امور کشوری را اداره نمایند.

شهید «جوهرشاه غوربندی» پسر «گوهرخان» هم درین ردیف میباشد، که متأسفانه معلومات جامع تر درباره شان نداریم. امید فامیل نهایت روشن ضمیر و فرزانه پرونتا (دپلوم انجیر صاحب محمد اکرم پرونتا) از کاکا زادگان جوهر شاه شهید در این مورد روشنی بیشتر اندازند.

کارنامه ها:

در روز گرفتاری مشروطه خواهان امیر غضبناک او را «نمک حرام» خطاب نمود، که شهید جوهر شاه با سر بلندی به جواب امیر صدا زد که: «ما نمک این مردم غریب افغانستان را خورده ایم، و برای این مردم تا دم اخیر وفادار بوده ایم و در این وفاداری جان فدا میسازیم.»

معلومات بیشتر:

«استاد حبیبی» مینویسند، «جوهرشاه خان غوربندی» در همان مجلس و دربار توسط فیر تفنگچه به شهادت رسید. اما استاد «سید سعد الدین هاشمی» نظر دارند که بعد از راپور دهی جوایس و هم جمع آوری معلومات «مستوفی الممالک محمد حسین خان» که برای شاه در جلال آباد آورده بود، امیر در مجلس عمومی عمله و فعله دربار گفت: «شما را همه اولاد خود میدانستم، در حرم سرای جا دادم و تمام اسرار من نزد شما بود، حالا بر علیه من توطئه کرده اید و میخواهید مرا بکشید، چرا؟ از من چه دیده اید؟... در این اثنا «احمد علی لودین» گفت چون این چهار بچه (که قبلاً نامهای شان) قرائت شد حرام زادگی کرده اند، پس آنها را به ما بدهید که بکشیم.»^۱ (در باره شخصیت و کار نامه های احمد علی خان لودین در عنوان جداگانه بعداً مطالبی خواهید خواند)

«پوهاند هاشمی» بقول از اسناد اندیا افسیس سال ۱۹۰۹ مینویسند که به «سردار هاشم خان» (سر سرواس) پسر «سردار یوسف خان» مصاحب امیر و «مرزا عبدالرشید» که سنگدل و قسی و القلب بودند امر شد تا متهمان را شکنجه نمایند آنها طی دو شبانه روز غلام بچه ها، هر یک «پادشاه میر خان» و «جوهر شاه خان» را شکنجه نمودند و با اینکه انگشتها و شصت های پاهای شان قطع شده بود و در حالت مرگ بودند اعتراف نکرده و دوستان شان را معرفی نکردند. «در جلال آباد از بستر خواب اسلم خان یاد داشتی بدست آمد که در آن امضاء وی و «جوهر شاه خان» بود و به عنوان «داکتر غنی» نوشته شده بود، در این یادداشت رفیقانه در جمله آخر آن نوشته شده بود که: «نرگس» در حال ضایع شدن است، و «عود» و «عنبر» قریب رو به خشک شدن است»^۲

پس از وحشیانه ترین شکنجه های این دو قهرمان حماسه ساز راه آزادی و دموکراسی هر یک «جوهر شاه خان» و «لعل محمد خان تگابی» را «به ریگ شاه مرد خان جلال آباد برده با فیر تفنگچه به شهادت رسانیدند، به «جوهر

شاه» شهید پانزده مرمی زدند، و «لعل محمد خان» را دو مرمی چون هنوز حیات داشت برادرش گلوله به شقیقه او فیر نمود و صدا کرد الحان مرده دیگر فیر نکنید. " ۳

تلخی و خوشی و زشت و زیبا بگذشت
در گردن او بماند و بر ما بگذشت
« گلستان حضرت سعدی»

دوران بقا چون باد صحرا بگذشت
پنداشت ستمگر که جفا بر ما کرد

«دیپلوم انجنیر محمد اکرم پرونتا» محصل افغانی در آلمان و بعد از آن وزیر فواید عامه ۱۳۲۹ش (۱۹۵۰م) گفت که: در ایام تحصیل در برلین حدود ۱۳۱۰ش (۱۹۳۱ م) به دیدار «شجاع الدوله خان غوربندی» مقیم برلین رفتم. بر میز اطاقش عکس جوانی دیده می شد، من پرسیدم که این کیست؟ «شجاع الدوله» گفت: عکس کاکایت «جوهر شاه شهید» است. مردی که در اولین نهضت مشروطه خواهی قربان گردید. ولی من با این انگشت اشاره به انگشت شهادت دست راست انتقام خون او را از امیر گرفتم.

مآخذ

۱- ۲- ۳- پوهاند سید سعدالدین هاشمی - جنبش مشروطه خواهی در افغانستان ، جلد اول ص ۱۷۱

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند